

کفتارهای در عدالت اجتماعی

جلد اول

دکتر عادل پیغامی

محمد صادق تراب زاده بهرمی

سید علیرضا سجادی

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
www.ketabesadiq.ir: فروشگاه اینترنتی



کتابساقی



گفتارهایی در عدالت اجتماعی (۱) ■ تألیف: دکتر عادل پیغمی، محمد صادق ترابزاده جهرمی، سید علیرضا سجادیه
به اهتمام مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) ■ صفحه‌آرا: علی صبوری آق قلعہ ■ طراح جلد: سامان قاموسی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) مرکز رشد ■ چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ سفارش: تر ■ شابک ۹-۵۰۷-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۸۵/۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر است.

سرشناسه: پیغمی، عادل، ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی در عدالت اجتماعی: تألیف: عادل پیغمی،
محمدصادق ترابزاده جهرمی، سید علیرضا سجادیه: به اهتمام: مرکز رشد
دانشگاه امام صادق (ع).
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ج ۱: ۶۹۸ ص.
شابک: ۹-۵۰۷-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
شناسه افزوده: ترابزاده جهرمی، محمد صادق، ۱۳۶۶-
شناسه افزوده: سجادیه، سید علیرضا، ۱۳۶۵-
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۵۶۷۷۴

فهرست اجمالی

سخن مرکز رشد | ۲۳

پیش‌گفتار | ۲۵

مقدمه | ۳۳

بخش اول: تحلیل اثباتی، نظریه‌های عدالت | ۴۱

بخش دوم: برابری و نیاز | ۱۵۶

فصل اول: مساوات‌گرایی | ۱۶۳

فصل دوم: رالز و قرارداد اجتماعی | ۱۹۵

فصل سوم: مارکسیسم | ۲۴۵

فصل چهارم: اصل نیاز | ۲۸۳

بخش سوم: مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه | ۳۰۱

فصل پنجم: مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

فصل ششم: اصل پارتو | ۳۶۱

فصل هفتم: نظریه خالی از حسادت | ۴۱۷

فصل هشتم: اصل کارایی | ۴۳۹

بخش چهارم: قسط و شایستگی | ۴۵۳

فصل نهم: نوزیک | ۴۶۱

فصل دهم: نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹

فصل یازدهم: نظریه قسط | ۵۳۹

فصل دوازدهم: اصل قسط | ۵۶۳

بخش پنجم: نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت پژوهی

| ۶۱۳

www.ketab.ir

فهرست تفصیلی

سخن مرکز رشد | ۳۱

پیش‌گفتار | ۲۵

ساختار کلی کتاب | ۳۰

مقدمه | ۳۳

بخش اول: تحلیل اثباتی نظریه عدالت | ۴۱

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش مقدمه | ۴۳

ادراک و تحلیل اثباتی در اقتصاد | ۴۵

اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم؛ تحصیل‌گرایی) در اقتصاد | ۴۵

روش انعکاسی | ۵۱

اثبات‌گرایی در علم اقتصاد | ۵۵

اثبات‌گرایی علم اقتصاد و مسئله عدالت: مقدمه‌ای در حکمت نظری و عملی | ۵۶

استفاده از نظریه‌های عدالت در اثبات نظریه‌های اقتصادی | ۵۷

تمایز حکمت نظری و عملی در علوم انسانی | ۵۹

مقام و معنای ثبوتی و اثباتی عدل | ۷۱

جایگاه انصاف در عدالت غرب | ۷۳

ناظر بی‌طرف از نظر اسمیت | ۷۵

ابزارهای تحلیل در عدالت‌پژوهی | ۷۹

عدالت در اندیشه قدیم اقتصادی | ۸۴

نسبت کارایی و عدالت در اندیشه اقتصادی | ۸۵

اهداف این پژوهش | ۸۹

- تعریف و هدف تحلیل اثباتی | ۸۹
- عدالت ادراکی و عدالت ذاتی | ۹۰
- عدالت پیشینی، فرایندی و پسینی | ۹۲
- نگاه تلفیقی به مسئله عدالت | ۹۷
- گونه‌شناسی نظریه‌های عدالت | ۹۹
- نظریه کلان عدالت و روش ترکیب | ۱۱۳
- نیازمندی تحلیل اثباتی به تنوع و تکرار نظریه‌های عدالت | ۱۱۹
- وجه عقلانی طرح پژوهشی | ۱۲۴
- عدالت، ادراک، تفسیر | ۱۲۶
- بهم از عدالت و تورش‌ها | ۱۲۷
- عدالت؛ انشایی نسبی بی نظم، ارزش نسبی نظام‌مند | ۱۳۱
- نظریه عدالت توصیفی محلی | ۱۳۱
- دلایل برای نظریه عدالت توصیفی و جهان‌شمول عدالت | ۱۳۲
- فلسفه اخلاقی و زیستی | ۱۳۳
- روش تجربی | ۱۳۹
- روش‌های تجربی در عدالت پژوهی | ۱۴۲
- عدالت به عنوان انگیزه رفتار | ۱۴۴
- مطالعات میدانی در عدالت‌پژوهی: پیمایش، آزمایش | ۱۴۳
- روش انعکاسی (انعکاس ذهنی) | ۱۴۸
- سازمان و ساختار مقاله | ۱۵۶
- جمع‌بندی بخش اول | ۱۵۷

بخش دوم: برابری و نیاز | ۱۵۹

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش دوم | ۱۶۱

فصل اول: مساوات‌گرایی | ۱۶۳

درآمدی بر مساوات‌گرایی | ۱۶۳

اصل ارزش برابر | ۱۶۹

مساوات‌گرایی از منظر کونو | ۱۸۰

جایگاه برابری در انواع تعاملات انسانی | ۱۸۲

پیوند بین نیاز و برابری | ۱۹۲

فصل دوم: رالز و قرارداد اجتماعی | ۱۹۵

درآمدی بر نظریه رالز | ۱۹۵

نظریه رالز و قرارداد اجتماعی از منظر جیمز کونو | ۲۰۸

نقد پیش‌فرض‌های نظریه رالز | ۲۰۹

اصل تفاوت | ۲۱۳

جایگاه برابری در اصول رالز | ۲۲۱

بی‌طرفی در نظریه رالز | ۲۲۴

تحلیلی بر برابری در نظریه رالز | ۲۲۶

تعادل تنظیمی رالز در نظریه‌پردازی عدالت | ۲۲۹

تحلیل نظریه رالز در آزمایشات | ۲۳۰

مسئله نهاد در اصل تفاوت رالز | ۲۳۷

طبیعت «مشیت الهی» از منظر رالز | ۲۳۸

فصل سوم: مارکسیسم | ۲۴۵

کارل مارکس | ۲۴۵

اندیشه مارکس در عدالت تاریخی | ۲۵۱

آثار مارکس | ۲۵۵

آثاری درباره مارکس | ۲۵۶

نظریه عدالت مارکس از منظر جیمز کونو | ۲۵۷

زاویه دید در مدخل‌شناسی عدالت‌پژوهی | ۲۶۰

اصل توزیعی کمونیستی مارکس | ۲۶۶

تحلیل تفاسیر از مارکس | ۲۶۷

آزمایشات مؤید اصل نیاز | ۲۶۸

تحلیل جود و عدل در سطح خرد و کلان: عام و خاص | ۲۷۴

نسبت مسئله عدالت با توزیع و قابلیت در نگاه مارکسیستی و آماریاسن | ۲۷۸

فصل چهارم: اصل نیاز | ۲۸۳

تعادل در تأمین نیازهای اساسی | ۲۸۵

عدالت، نیاز اساسی و شأن اجتماعی | ۲۸۶

نظم ترتیبی در اصول عدالت | ۲۹۰

جایگاه انگیزه در نظریه عدالت | ۲۹۲

دفاع از اصل نیاز | ۲۹۷

جمع‌بندی بخش دوم | ۲۹۹

سوالات تمرینی بخش دوم | ۲۹۹

بخش سوم: مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه | ۳۰۱

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش سوم | ۳۰۳

فلسفه اخلاق (مضاف) و فلسفه اخلاقی (موصوف) | ۳۰۶

اقتصاد هنجاری و اخلاق نتیجه‌گرا | ۳۰۸

فصل پنجم: مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

درآمدی بر مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

مطلوبیت‌گرایی بنتهام و میل | ۳۲۴

نحوه ارزشیابی عمل اقتصادی در اقتصاد رفاه | ۳۳۲

وزیع در مطلوبیت‌گرایی | ۳۳۶

جایگاه عدالت در سناریوهای جود | ۳۴۰

نسبتهای بین مطلوبیت کل و نهایی | ۳۴۳

لذت و مطلوبیت در مطلوبیت‌گرایی | ۳۵۰

تعارض در سدهای عدالت | ۳۵۱

تحلیل نهایی مطلوبیت‌گرایی | ۳۵۲

تفصیل نظریه عدالت یا تربیت اساس عادل تصمیم‌گیر | ۳۵۵

فصل ششم: اصل پارتو | ۳۶۰

درآمدی بر آراء پارتو | ۳۶۱

آثاری از پارتو | ۳۶۷

آثاری درباره پارتو | ۳۶۷

نسبت اصول پارتو و مفروضات مطلوبیت‌گرایی | ۳۶۸

اصل پارتو در اقتصاد نئوکلاسیک و نظریه کینز | ۳۷۴

اصل پارتو و مفهوم تعادل | ۳۷۸

جمع کارایی و عدالت | ۳۷۹

مثال نقض اصل پارتو: محظور زندانی | ۳۸۳

عدالت فرایندی و رویه‌ای | ۳۸۶

تأیید اصل پارتو در کالای عمومی | ۳۸۷

آزمایشات چانه‌زنی و اصل پارتو | ۳۸۹

متغیرهای نسبی و تاریخی | ۳۹۵

تمایل به حداکثرسازی کل در شرایط تساوی جامعه هدف | ۳۹۹

رابطه کل و جزء: مسئله توازن | ۴۰۷

فصل هفتم: نظریه خالی از حسادت | ۴۱۷

رابطه پارتو و معیار خالی از حسادت | ۴۱۸

خاستگاه نظریه خالی از حسادت | ۴۱۹

ساده‌ترین شکل نظریه خالی از حسادت | ۴۲۰

تعمیم معیار خالی از حسادت | ۴۲۳

تمایز انصاف و خالی از حسادت | ۴۲۵

تفاوت ارزش مبادلاتی و مصرفی | ۴۲۹

جایگاه بست‌ها و فناوری‌های اجتماعی در تعریف نظریه عدالت | ۴۳۱

ابهام در تعریف خالی از حسادت | ۴۳۴

فصل هشتم: اصل کارایی | ۴۳۹

تمایز کارایی پارتو اصل کارایی به وسیله مفهوم مازاد | ۴۳۹

تعریف کارایی به عدالت | ۴۴۱

جایگاه محوری شاخص‌سازی و اندک‌گیری عدالت در علوم انسانی | ۴۴۴

مرز بین فرایند و خروجی | ۴۴۹

جمع‌بندی بخش سوم | ۴۵۱

سوالات تمرینی بخش سوم | ۴۵۱

بخش چهارم: قسط و شایستگی | ۴۵۳

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش چهارم | ۴۵۵

نظریه‌های دسته تناسب و شایستگی | ۴۵۷

ریشه تقسیم‌بندی نظریه‌های عدالت در گونه‌شناسی کونو | ۴۵۸

خاستگاه نظریه قسط | ۴۵۹

فصل نهم: نوزیک | ۴۶۱

درآمدی بر نظریه نوزیک | ۴۶۱

نظریه نوزیک از منظر جیمز کونو | ۴۷۰

وابستگی مالکیت به انتخاب در اندیشه نوزیک | ۴۷۶

نظریه انتساب نوزیک | ۴۷۶

رابطه قواعد و نتایج | ۴۸۳

نسبت نوزیک و عدالت در اندیشه دینی | ۴۸۴

جایگاه انتخاب در نظریه نوزیک | ۴۸۶

فصل دهم: نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹

درآمدی بر نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹

نظریه بوکانون، اولین نظریه شایستگی | ۴۹۶

مبادله در نظریه شهید صدر | ۴۹۷

رشد در نظریه شهید مطهری و مدیریت منابع | ۴۹۹

نسبت بوکانون با نوزیک و رالز | ۵۰۰

مسئله اختیار و عدالت در اندیشه اسلامی | ۵۰۱

معیارهای چهارگانه بوکانون | ۵۰۶

نظریه دورکین و مسئله انتخاب | ۵۲۱

شانس گزینه‌ای و شانس بداقبالی | ۵۲۳

تفاوت در بسترهای تحقق عدالت | ۵۲۶

عدالت و شایستگی | ۵۳۱

فصل یازدهم: نظریه قسط | ۵۳۹

خاستگاه نظریه قسط | ۵۴۱

ابهام در تشخیص ورودی و خروجی نظریه قسط | ۵۴۳

ترکیب نظریه‌های عدالت | ۵۴۴

توازن در تناسب | ۵۵۵

نسبیت امر اخلاقی | ۵۵۵

تفکیک نظریه‌های صوری عدالت از نظریه‌های محتوایی | ۵۵۶

نسبیت ریشه تعارضات شواهد در نظریه تناسب | ۵۵۹

خاستگاه طرح اصل قسط | ۵۶۰

فصل دوازدهم: اصل قسط | ۵۶۳

رابطه سخت‌کوشی و موفقیت - عمل و عملکرد در اندیشه اسلامی | ۵۶۵

اصل پاسخگویی | ۵۶۷

نقش موجودی و تاریخ در مسئله عدالت | ۵۷۰

نسبت حق و مفاهیم دیگر | ۵۷۳

نقش انتساب در ایجاد حق | ۵۷۸

متغیرهای اصل پاسخگویی | ۵۸۴

نگاه صفر و یک یا مرتبه‌اندیش در حق و باطل | ۵۸۷

تاریخچه قیمت عادلانه | ۵۹۳

نقش عامل پیش‌بینی در مسئله عدالت | ۵۹۷

وابستگی عدالت به اختیار و اقدام فردی | ۶۰۵

انتخاب و تکلیف در نگاه نوزیک | ۶۰۷

جمع‌بندی بخش چهارم | ۶۱۰

سؤالات تمرینی بخش چهارم | ۶۱۱

بخش پنجم: نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت

پژوهی | ۶۱۳

مباحث بنیادین دینی عدالت‌پژوهی | ۶۱۵

نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی مستخرج | ۶۱۸

www.ketab.ir

سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی رحمته الله علیه تأسیس شد. اسلامیته نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای رسیده است، و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است؛ و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از دروازه‌های پستی و بلندی می‌افتد و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیز که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام، و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام، با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی رحمته الله علیه کتیبه بر چیده به یاد، و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان، و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به پیروی انسانی قدری کاهش یافت، و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آدینه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی رحمته الله علیه کتیبه که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه السلام با مقام معظم رهبری مد ظله العالی، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد بر آمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق علیه السلام در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری

دغدغه‌ها و به ثمر نشاندن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند، و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آنها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود، و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله نیز سرخر را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با بعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز بر نیازهای علمی کشور، و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پرهیز خرم پیش رو دارند؛ و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی که برده‌ای رده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولید اثر محصور در دایره علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد؛ و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و عجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مر - رحم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - کسی در مسیر حل این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حل معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر ارزش‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی را اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلام را ندارد، و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد. آنچه پیش روی شماست یکی از اولین کتبی است که ثمره شروع این مسیر پژوهشی است. دو دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق علیه‌السلام که چند سالی است حوزه عدالت را وجهه همت خود قرار داده‌اند، یکی از ثمرات کوشش‌های خود را در این مجلد به داوری صاحب‌نظران و خوانندگان گذاشته‌اند. مسلماً این اثر تنها شروعی برای حرکت در افقی بلند خواهد بود. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام مشتاقانه منتظر نظرات و قضاوت‌های خوانندگان این مجموعه است تا بتواند آن‌ها را در حرکت‌ها و کوشش‌های بعدی، چراغ راه خود گرداند.

پیش گفتار

عدالت در زندگی بشر چه نقشی دارد؟

خاستگاه عدالت، اجتماعی و منشأ ظهور عدالت در زندگی بشر چیست؟

چرا بشر به سمت عدالت اجتماعی رفته است؟

نسبت عدالت با سایر ارزش‌ها، خواسته‌ها و مجموعه نیازهای انسانی چیست؟

چرا حکومت‌ها تحقق عدالت را هدفتان شده‌اند؟ عنوان یکی از غایات خود معرفی می‌کنند؟

تأثیر و نقش دین در شکل‌دهی نظری و اقدام عملی عدالت چیست؟

عدالت اجتماعی همواره در کل تاریخ حیات بشر، از بزرگترین آرمان‌ها، مسائل و دغدغه‌های زندگی وی بوده است. از این‌رو همگان بر لزوم تأمین عدالت و مقابله با ظلم و ستم تأکید داشتند؛ اگرچه که این پرچم در مقاطعی به دست خود ظالمان و جاتران نیز می‌افتاد. اما شدت عدالت، خواستی فراگیر، انسانی و همه‌جانبه بود. شاید هیچ‌کسی را در تاریخ نتوان یافت که مدعی ظالم بودن باشد. حتی ظالمان نیز خود را در زمره مدعیان عدالت می‌دانستند.

اما این مهم، در اسلام، اندیشه اسلامی و حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی جایگاهی ویژه به خود اختصاص داد. انقلاب اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقات زنجیره تلاش برای اقامه عدل شکل گرفت و یکی از اهداف اصلی خود را رفع ظلم و طاغوت و زمینه‌سازی برای حکومت عدل الهی مقرر کرد. قرار داده است.

«عدالت دغدغه‌ی همیشگی و تاریخی بشر بوده... لیکن نقش ادیان استثنائی است... در نظرات حکما و اندیشمندان، آن اهتمام ادیان مطلقاً مشاهده نمی‌شود.

اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، آیه ۲۵). قطعاً این آیه حکم می‌کند بر این‌که هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بیتات - یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران اراده می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنجه‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.

البته شکی نیست که قیام به قسط و همه‌ی آنچه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه آن هدف خلقت است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۵۶)؛ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نبوت‌ها و ارسال رسل است؛ که از جمله‌ی آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح می‌کند. البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره می‌کند، که این‌ها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص این است.

خصوصیت دیگر ادیان این است که انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان قرار گرفته‌اند؛ یعنی برای عدالت عدالت‌پساران کردند... در قرآن کریم تصریح شده که انبیاء با طواغیت مواجه‌اند، با مترفین مواجه‌اند، با ملأ مواهاً؛ که همه‌ی این‌ها جزو طبقات ستمگرند... «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَاذِبُونَ» (سجده، آیه ۳۴). هیچ پیغمبری نبوده که در مقابلش مترفین قرار نگیرند؛ یعنی پیغمبر با مترفین می‌جنگد. هم ملأ، هم این جور است. ملأ، آن اصحاب و دست‌اندرکاران قدرند. طواغوت هم یک معنای عامی است که شامل همه این‌ها می‌شود. بنابراین پیغمبران در معارضه بین ظالم و مظلوم، همیشه در طرف مظلوم قرار گرفتند؛ یعنی برای عدالت وارد میدان شدند و جنگیدند؛ این هم بی‌نظیر است. حکما در باره‌ی عدالت حرف زدند؛ اما خیلی اوقات مثل بسیاری از روشنفکران گوناگون حرف‌هایی می‌زنند، ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند... انبیاء این‌ها نبودند؛ انشاء وارد میدان می‌شدند، سینه سپر می‌کردند؛ حتی آن وقتی که مترفین به این‌ها می‌گفتند شما چرا حرف‌ها را مطلقاً مظلوم هستید، از این‌ها جدا شوید، با این‌ها برخورد می‌کردند. آیه شریفه «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِ عَيْنُكَ إِنَّا بِكُمْ عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ» (هود، آیه ۳۱) - که بیانگر پاسخ حضرت نوح به مخالفین خودش است - در همین زمینه است. بنابراین آن کسانی که از عدالت محروم بودند، اولین گروندگان به پیغمبران هم هستند.

نکته سوم این‌که همه ادیان متفقند در این‌که پایان این حرکت عظیم تاریخی، رسیدن به عدل است. یعنی قاطعاً می‌گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود، که آن دوران استقرار دین کامل است. در دعای بعد از زیارت شریف آل یاسین آمده است: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»... همه انبیاء، همه ادیان، همه نبوت‌ها به این نهایت اشاره کردند، روی آن تأکید کردند، اصرار کردند و گفتند به سمت آن داریم حرکت می‌کنیم. پس در مبدأ، در مسیر و در منتها، نبوت‌ها تکیه‌شان بر روی عدل است.

در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل، در گفتارهای موضوعی و در زمان‌های مختلف

و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود. فرض کنید در دوران دفاع مقدس که هی می‌آمدند فشار می‌آوردند و شعار صلح را مطرح می‌کردند برای این‌که جمهوری اسلامی را از میدان خارج کنند، آنجا جمهوری اسلامی شعار «صلح عادلانه» را مطرح کرد. خوب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جانی صلح خوب است، یک جانی صلح بد است، جنگ خوب است، اما عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خوب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصاف‌کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی‌کننده نیست... آن چیزی که نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این بد تلاش کرد». (بیانات مقام معظم رهبری در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷)

با توجه به این شعار مهم که همواره سرلوحه سیاست‌های اصلاحی و خصوصاً اسلامی بوده است، اما هنوز تا تحقق آن افق، فاصله چشمگیری احساس می‌شود. ما برغم دغدغه عدالت‌خواهی، هنوز عدالت‌پژوهی و پشتوانه نظری حوزه عدالت، از خلأهایی عظیم رنج می‌برد. اما همواره برای جبران کمبودها باید نگاهی به «داشته‌ها» و نظری به «نداشته‌ها» انداخت تا بتوان برپایه آن‌ها، دومی را تکمیل نمود. از این‌رو شمارش نیازها، نه از سر ناامیدی بلکه مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی هدفمند، دقیق، شفاف و عملیاتی و بهره‌گیری از امکان‌های بالقوه فعلی است. پس بهتر است برخی از آن‌ها را با یکدیگر مرور کنیم تا تصویر اجمالی از این عرصه در ذهن شکل دهیم:

۱. پژوهشگاه یا پژوهشکده عدالت‌پژوهی

۲. دانشکده مطالعات عدالت

۳. گروه عدالت اجتماعی در یک دانشکده

۴. رشته عدالت‌پژوهی

۵. سرفصل و واحد درسی

۶. کتاب درسی آموزشی مناسب

۷. سیر مطالعاتی

۸. کارگاه آموزشی

۹. دوره آموزشی نظری عدالت‌پژوهی

۱۰. دوره آموزشی عملی اقامه عدل

۱۱. مجلات علمی
۱۲. جوایز علمی (پژوهش، ایده، پایان نامه، کتاب، مقاله، گزارش و....)
۱۳. نرم افزار بانک اطلاعاتی
۱۴. منبع شناسی
۱۵. مسئله شناسی و نظام مسائل
۱۶. روش شناسی
۱۷. نقشه پژوهشی
۱۸. نظریه عدالت مختار اجماعی
۱۹. توصیه های سیاستی به مدیران و سازمان ها
۲۰. شاخص های عدالت
۲۱. استاندارد ری
۲۲. جریان های تئری عدالت پژوهی
۲۳. نقد برنامه ها، مشکلات، مباحث روز از منظر و عنوان عدالت
۲۴. کانون تفکر و اندیشکده
۲۵. رصدخانه عدالت: رصد و پایش علم و عمل عدالت
۲۶. مرکز ارزشیابی عدالت محور خط مشی و برنامه های عمومی
۲۷. پیوست عدالت خط مشی ها و برنامه های عمومی (تلفاتی از پیوست انگیزشی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و...)
۲۸. انجمن علمی عدالت پژوهی ایران
۲۹. نهادهای اسناددهی منابع علمی عدالت پژوهی
۳۰. کتابخانه تخصصی

سؤال اصلی پس از این دسته بندی این است که: چه باید کرد؟ از کجا باید شروع کرد؟ و.....

طبیعی است که آگاه شدن به یک مسئله و شکل گیری دغدغه و درگیری ذهنی اولین گام برای حرکت های بعدی را شکل می دهند. از این رو از عده ای علاقمندان به این مسئله در دانشگاه امام صادق علیه السلام ابتدای حرکتی علمی و تا حدی اقدامات عملی خود را در حد وسیع ناچیز خویش بر موضوع «عدالت» قرار دادند. اما باز هم سؤالات قبلی پابرجا ماندند. چرا که با وجود در اختیار بودن منابع عظیم و غنی دینی، هیچ نقشه حرکتی برای این امر وجود نداشت. تلاش هایی برای تنقیح مسیر حرکت صورت گرفت که باید به تدوین «مسئله شناسی عدالت» و «تدوین نقشه پژوهشی» منجر شود چون تمهید مقدمات حرکتی جریان ساز در

عرصه عدالت‌پژوهی ضروری به‌نظر می‌رسد.

هدف از تدوین این کتاب «تدوین نظام مسائل حوزه عدالت‌پژوهی» و در ادامه «طراحی نقشه پژوهشی» برای این حوزه مبتنی بر نظام مسائل مستخرج است. این کتاب، حاصل تدوین مباحث ۳۹ جلسه بحث و تبادل نظر به شیوه اقتراح و طی زمان ۹ ماه در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۱، پیرامون ابعاد مختلف مسئله عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی است.

برای بحث و نظر لازم بود منبع یا منابع علمی معتبری محور قرار گیرند تا ضمن حفظ انسجام مباحث، دیدگاه‌های مختلف دیگر نیز مطرح و مورد بررسی قرار گیرند. متون مختلفی در عرصه عدالت و از منظرهای مختلف به رشته تحریر درآمده‌اند که هر کدام در مقام خود ارزشمند و درخور توجه‌اند اما دستیابی به مقاصد فوق مستلزم تحدید متون مختلف و استفاده از یک متن اصلی بود. از این‌رو، مقاله‌ای با عنوان ذیل انتخاب شد:

«Which Is the Fairest One of All? A Position Analysis of Justice Theories»

مقاله حاضر متعلق به آقای جیمز دیو است که در شماره ۱۶ مجله *Journal of economic literature* در دسامبر ۲۰۰۳ و در ۵۱ صفحه (صص ۱۱۸۸-۱۲۳۶) چاپ شده است. این مقاله سعی دارد تا ضمن طرح و نقد مهم‌ترین نظریه‌های عدالت اجتماعی، با منطق طه‌بندی، به یک نظریه جامع ترکیبی دست یابد. از این‌رو، نویسنده خود بستر نقد نظریه‌های مختلفی را فراهم کرده است. متن مقاله محوری کتاب حاضر، غیر بومی است. این مقاله هم به نظریه‌ها، تعاریف و نقدشان پرداخته، هم به مسئله ادراک توجه جدی دارد. یکی از علل انتخاب این مقاله آن است که سعی شده تا ایده‌های بومی خود را در قالبی با اندیشه غیر همسو، پیدا کنیم. از این‌رو، با نگاه انتقادی وارد متن شده و ایده‌های جدید طرح شده است.

شیوه برگزاری جلسات بدین صورت بود که ابتدا بخشی از مقاله کونو به‌عنوان محور بحث مورد مطالعه و بحث قرار می‌گرفت. شیوه بحث در کتاب همانند شیوه رایج حوزه، متن خوانی است. فضای بحث بر قالب گفتگو، هم‌اندیشی و مباحثه است و شرکت‌کنندگان، خود را اندیشمند حوزه اسلام و عدالت ندانند. هدایت دیگران نیستند. از مسیر نقد مقاله به‌صورت جمعی، ایده‌ها، نظرات و دلالت‌های مختلف برای نظام مسائل عدالت‌پژوهی بیان شدند. پس از برگزاری جلسات متعدد، نیاز و ضرورت تدوین و دسته‌بندی مطالب به‌طور مدون و مکتوب بیشتر احساس شد. بنابراین تصمیم به پیاده‌سازی و ویرایش مطالب جلسات گرفته شد. از این‌رو مطالب بیان شده، پیاده‌سازی، ویرایش اولیه و در قالب محورهای همان مقاله، تنظیم گردید.

۱. <http://hss.caltech.edu/~steve/justice.pdf>، گزیده آثار جیمز کونو در انتهای پیشگفتار خواهد آمد.

۲. نوع مقاله‌های این مجله، چنین است که غیر از طبقه‌بندی تولیدات سه ماهه قبل که نزدیک ۳۰۰ صفحه اول را شکل می‌دهد، ۴-۵ مقاله نسبتاً وزین و برجسته را به خود اختصاص می‌دهد. در حوزه اقتصاد، اولین و بهترین نشریه اقتصادی است در حالی که جزو هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های مرسوم ISI و ... نیست. ولی بهترین مجله اقتصاددانان است و مقاله‌هایی که در آن چاپ می‌شود به دنبال تغییر مسیر دانش در اقتصاد است. این مقاله از این جهت مهم است.

اصلاحات و اضافاتی در خصوص مطالب مختلف، در خود متن یا به صورت پاورقی اعمال و در نهایت، مسائل مستخرج از مباحث نیز، در یک طبقه‌بندی، به انتهای کتاب افزوده شد.

ساختار کلی کتاب

کتاب حاضر از پنج بخش و ۱۲ فصل تشکیل شده است. در ابتدا، مقدمه دکتر عادل پیغامی در خصوص عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی طرح می‌شود. سپس متناسب با فصل‌بندی کونو از مقاله خویش، چهار بخش را پیش رو داریم (مقدمه، برابری و نیاز، مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه، شایستگی و تناسب). ساختار هر فصل نیز بدین گونه است:

۱. خلاصه دیدگاه نویسنده: ابتدا، خلاصه‌ای از نگاه و نظر نویسنده نسبت به هر فصل بیان می‌شود تا از این طریق، خواننده بتواند قبل از ورود به بحث، هم کلیت نگاه او را در یابد و هم با ورود به مباحث اقتراح، سر رشته مطلب را دست نهد.
۲. مقدمه: سپس، آمیخته‌ای از موضوعات مطرح شده در هر فصل که جنبه پیش نیاز دارند، مطرح می‌شود. بدین ترتیب، اکثر مطالب، از فصل ۲ تا ۵، مطالب تکمیلی در ابتدای برخی از زیرفصل‌ها و نه در ابتدای هر فصل طرح شده‌اند.
۳. متن مباحثات: پس از دو بخش اول، متن اصلاح شده جلسات اقتراح قرار دارد. ضمن درج متن مورد بحث از مقاله و ترجمه آن، به دستاوردهای بحث نیز در این بخش جای گرفته‌اند. در ابتدای هر بحث نام گوینده ذکر شده است. این امر، امکانی فراهم می‌کند که مجموعه نگاه هر شخص مشخص شود. در مواردی که نامی ذکر نشده است، مطلب از دکتر پیغامی نقل می‌شود.
۴. سوالات تمرینی: در انتهای هر فصل نیز سوالات تمرینی برای مرور مباحث فصل قرار داده شده است.

در بخش آخر، مسئله‌شناسی عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی را در دو محور خواهیم داشت: محور اول، دروسی است که شرکت‌کنندگان در بحث، آن‌ها را برای عدالت‌پژوهی دانسته‌اند. البته در این محور سعی بر جامعیت در تدوین دروس لازم برای عدالت‌پژوهی نبوده است. در دوم نیز، کلیه مسائل، پیشنهادات و محورهای پژوهشی استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند.

این کتاب، یک کتاب آموزشی نیست بلکه سعی دارد تا دید خواننده را نسبت به گستره موضوعی عدالت اجتماعی باز کند و ضمن افتاح اهمیت آن، ابعاد مختلف مسئله عدالت را خصوصاً در حوزه مباحث علوم انسانی اسلامی شناسایی و ارائه نماید. از این رو، خواننده باید با دید خوشه‌چینی و فهم گستره موضوعی وارد کتاب شود. مسائلی که در انتهای کتاب به صورت طبقه‌بندی شده ذکر شده‌اند، بعضاً موضوع یک کتاب هستند اما در کنار هم دیدن آن‌ها، نوعی نگاه به علوم انسانی را نیز بدست می‌دهد.

مباحث طرح شده، ترکیبی از مباحث و نگاه‌های رشته اقتصاد، مدیریت و دروس معارف اسلامی شامل فقه، اصول، منطقی، کلام، فلسفه و اندیشه اسلامی است. لذا خواننده‌ای که آشنایی با مباحث فوق ندارد،

ممکن است با برخی از مباحث ارتباط درستی برقرار نکند. این امر به علت میان رشته‌ای بودن مسئله عدالت لایذمته است و لازم است تا مخاطب، تا حدی از گستردگی مطالعاتی برخوردار باشد. این عرصه، همواره در مظلومیت قرار داشته است و کسانی که در این عرصه ورود نموده‌اند به علت عدم تمرکز مطالعاتی و عدم تمرکز عمر علمی خود بر مسئله عدالت اجتماعی، نتوانسته‌اند عمق زیادی را بیمایند و راهگشای مسیر عدالت‌پژوهی باشند. از این رو، دست یاری خود را برای جریان‌سازی در حوزه عدالت‌پژوهی به سوی مخاطبین دراز می‌کنیم.

گروه تدوین کتاب - مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)؛

۱۳۹۵/۲/۱۰

www.ketab.ir

مقدمه^۱

عدالت مطلوب انجری و ذاتی همه انسان‌ها است. هیچ دسته، گروه و جریانی را نمی‌توان یافت که شعار خویش را بر خرافات عدالت سر داده باشد. بنیادی‌ترین تعریف عدالت -وضع کل شیء فی موضعه- مساوی مقوله‌ای مثل نظم است. به همین دلیل بشر به لحاظ فطری، نظم را تمجید و بی‌نظمی را همیشه رد کرده است. پس نوعی رجحان و گرایش درون فطری، نسبت به عدل وجود دارد اما ممکن است در مصادیق دچار اشتباه شود. به همین دلیل عدالت همیشه مورد سوء استفاده کسانی قرار گرفته است که در ظاهر به دنبال عدالت بوده‌اند و در باطن و حق، ضد آن عمل کرده‌اند. عدالت در مقام توصیف، سخنرانی، بیان و شعار، همیشه جایگاه رفیعی داشته اما در مقام عمل، اجرا و اقامه، در همیشه تاریخ، کم‌رنگ بوده است. «فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَّاضُعِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاضُفِ» (نهج البلاغه للسیح: ۳۳۳).

عدالت، به لحاظ هستی‌شناسی، مساوی نظم تمامی کائنات و تمامی ساختارهای تکوینی عالم است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن/۷). آسمان‌ها، زمین و کونین مبتنی بر عدل آفریده شده‌اند. از این جهت، اساساً دنیا بر سبیل نظم است. آن بخش از دنیا نیز که ممکن است با ظلم و بی‌عدالتی انسانی در تعارض باشد، باید بر سبیل عدل درآید. انسان در مواجهه با حالت بی‌نظمی سعی می‌کند آن را به حالت نظم درآورد. فرض هستی‌شناسانه انسان‌ها آن است که کارکردها و رفع نیازهای واقعی در نظم صورت می‌گیرد. آنچه در دنیا و کائنات در حال چرخش و گردش است براساس نظم پیش می‌رود. به همین دلیل انسان در مواجهه با عدل در تابستان، میوه تابستانه نباشد چون نظمی در عالم وجود دارد. مطمئن است که آفتاب فردا صبح در همان موضع خواهد کرد. این فرض هستی‌شناسانه روزمره انسان‌هاست که با آن زندگی می‌کنند.

از سوی دیگر، اگر به نظم در اشیاء توجه شود، پایه‌های زیبایی‌شناختی عدل مشاهده می‌شود. انسان در مواجهه با وضعیت توأم با نظم و عدل، احساس آرامش کرده و لذت می‌برد چون با گرایش فطری وی، همسوست. انسان حس زیبایی‌شناختی دارد.

در ابعاد تکلیف‌شناختی عدل، مسئله کمی بغرنج‌تر می‌شود. کائنات مبتنی بر عدل هستند. دنیای انسانی

۱. این مقدمه، متن پیاده شده مصاحبه‌ای یک ساعته با دکتر عادل پیغامی است که پس از پیاده‌سازی و ویرایش، بدین صورت نگاشته شده است.

نیز باید مبتنی بر عدل باشد. هم ندای فطرت چنین طلب می‌کند و هم ربوبیت تشریعی صادر شده از ناحیه الهی که در قالب دین برای انسان‌ها ارسال شده است، ندای مبتنی بر اقامه عدل سر می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/۲۵). چون انسان خلیفه خداست، مکلف به اقامه قسط، هم در ساحت وجود خویش و هم در ساحت دیگران است. برای خلیفه شدن، خداوند به وی اختیار و آزادی داده است. اراده و تصمیم انسان است که اجازه می‌یابد تعیین‌کننده مسیرهایی باشد که می‌توانند محقق شوند. اختیار، آزادی و اراده، لازمه خلیفه الهی است اما برخی انسان‌ها از دایره خلافت الهی خارج می‌شوند، مسیر را به سمت ظلم پیش می‌برند و به جای عادل شدن، ظالم می‌شوند.

به لحاظ هستی‌شناختی، تکلیف‌شناختی، معرفت‌شناختی و ... سوالات جدی و اساسی شروع می‌شود. مهم‌ترین چیزی که تل و نقل، در یک کلمه دین به انسان یاد می‌دهد، این است که «ای انسان، تو هم جزئی از کائنات هستی. کائنات بر سبیل عدل و نظم است. تو چرا نیستی؟ همه در حال تلاشند، تو چرا تلاش نمی‌کنی؟ هر حال انجام یک وظیفه هستند، تو چرا نباشی؟» مرحوم آیت‌الله مهدوی می‌فرمودند: لا عطله فی الوجود. سبب در آن کارند. این نکته، پیام بزرگی است. تمام ذرات عالم توصیه به عدل می‌کنند. از این توصیف، توصیه‌هایی بدست می‌آید. قرآن می‌فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن/۷-۹). این تصور و تصدیق که آسمان‌ها، مبتنی بر میزان و عدل بر پا داشته شده‌اند، مانع آن است که از مسیر عدل و قاعده‌های مبتنی بر عدل، نباید طغیان کرد و حد را نباید گذراند. در واقع بعد از تکلیف شناختی اهمیت پیدا می‌کند. وقتی عالم مبتنی بر نظم است، به تعبیر امام موسی صدر، باید با کاروان هستی، همراه شد. اگر انسان با کوچک‌ترین ذرات فعال در دورترین نقاط کهکشان، همسو باشد، احتمالاً هم‌افزا خواهد بود. اما اگر ضد آن‌ها کار کند، احتمالاً جایی با او تعارض خواهد داشت چون مسیر او با مسیر جهان متفاوت می‌شود. این جهان بینی را عقل و نقل به انسان می‌دهند که هر دو از منابع اصلی شناخت دین هستند.

چالش اصلی در ابعاد معرفت‌شناختی، شناخت مصادیق است. فهم این که چیزی انسان را به عدل نزدیک و چه چیزی از عدل دور می‌کند، دشوار است. با استفاده از عقل تا حدی، خصوصاً در کلیات، با تجربه و خطا، آزمون و هزینه‌هایی که بر بشر بار می‌شود می‌توان بخشی از مصادیق را شناسایی کرد اما این روش، هزینه زیادی در بردارد. دین در دست‌یابی انسان به راه‌ها، شیوه‌ها، مصادیق عدل و هر آن چیزی که ضد عدل است نقش اساسی ایفا می‌کند. هیچ حرکت اصیل عدالت‌خواهی را نمی‌توان تصور کرد مگر این که دین پشت آن باشد. عدل با خودخواهی و خودپرستی جمع نمی‌شود. خروج از دایره دین، قطعاً خودخواهی به دنبال خواهد داشت. با خروج از دایره الهی که الله است، حتماً اله‌ها و انگیزه‌های دیگری حاکم خواهند

شد و مهم‌ترین انگیزه، انگیزه خودخواهی است؛ چه خود فردی و چه خود جمعی. تنها محوری که می‌توان بین انگیزه و محرکه درونی (اله) با اله اصلی و حب ذات (به عنوان یک نعمت و چراغ هدایت در وجود خود)، جمع کرد دین است. دین این امکان را می‌دهد که بین کرامت حب ذات و مقام قدس الهی و وجود مطلق، جمع شود. عدل در این قضا، بدون دین اساساً ممکن نیست. آن جهان‌بینی که در ابتدا بیان شد، بدون دین ممکن نیست. عقل به این جهان‌بینی نمی‌رسد. بدون ملاحظه جریان‌ی به نام حکمت خالق، فلسفه آفرینش، غایت‌مندی و غایت‌شناسی که از دین اخذ می‌شود، رسیدن به این جهان‌بینی ممکن نیست. پس عدالت‌پژوهی و اجرای عدالت - به این که لیقوم الناس بالقسط به این معنا که مردم را برپا داریم تا عدالت‌خواه شوند، چه این که عدالت به نفع مردمی برپا داریم - بدون دین ممکن نیست. بدون انسانی آسمانی به نام ولی ممکن نیست. منتها به این مفهوم نیست که عده‌ای مطالعه و کار علمی نکنند. دین اصولی را بیان و هدایت‌هایی کرده است اما جامعه‌سازی مبتنی بر عدالت مدیریت انسان و شئون وی مبتنی بر عدل، نیازمند کار علمی است. از این رو عدالت‌پژوهی یک ضرورت جدی است.

عدم شکل‌گیری جریان‌ات عدالت‌پژوهی، یکی از نقص‌های مهم انقلاب اسلامی ایران است. اساساً انقلاب اسلامی بدون عدالت‌پژوهی معنا ندارد. عدالت چیزی است که مقام معظم رهبری در طلیعه دهه چهارم بر آن تأکید کردند. نباید فراموش کرد که بخش عمده جریان‌ات با پرچم و علم عدالت، عدالت را در عرض سایر امور می‌بینند. اگر انواع رشته‌های علوم انسانی - جامعه‌شناسی، فلسفه، حقوق، ادبیات، تاریخ، روانشناسی، مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، فلسفه، مکاتب، فلسفه عدالت و ... مطالعه می‌شوند اما نباید فراموش کرد که تأسیس چنین رشته‌ای، مفهومی نیست که عدالت حیطه‌ای جدا از سایر حیطه‌ها و حوزه‌های علوم انسانی و در عرض آن‌ها باشد. تمرکز رشته‌ای به خاطر یک انتخاب تعلیم و تربیتی است و به مفهوم تمایز حیطه‌ای و عرصه‌ای نیست. عدالت باید بر همه عرصه‌های انسانی است. هر جا قرار است رابطه‌ای بین انسان و انسان دیگری شکل گیرد، عدالت باید خواص داشته باشد. لذا باید عدالت حاکم بر همه رشته‌های علوم انسانی در کشور شود. تک تک رشته‌ها و تک تک روبرو رشته‌ها باید موضع خود را نسبت به مقوله عدالت بیان کنند. باید در تمام صفحه صفحه اقتصاد خرد، عدالت جریان پیدا کند و دارد. کسی که اقتصاد کلان می‌خواند نیز باید روح عدالت را ببیند. کسی که اقتصاد بخش عمومی، بانکداری و ... می‌خواند باید عدالت بخواند. نمی‌توان موضوعات را تفکیک کرد که مثلاً در حوزه پول، سؤال از عدالت نیست. اساساً این جمله بی‌معناست. در هر دوزمینه کم‌کاری شده است: در ورود عام عدالت به سرفصل‌های علوم انسانی و در ورود خاص عدالت به مثابه یک جریان مطالعاتی چند رشته‌ای و میان رشته‌ای برای مسائل بنیادین و خاص عدالت. با حل این مسائل بنیادین، سایر رشته‌های علوم انسانی نیز ریزه‌خواری خواهند کرد.